



## بررسی الگوهای کالبدی تقویت کننده تعامل مطلوب میان ساکنین خانه (نمونه موردی؛ خانه‌های بافت میانی کرمانشاه)\*

الهام بختیاری منش<sup>۱\*</sup>، رقیه محمودیانی<sup>۲</sup>، مجید رستمی قلعه لانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۴۰۰/۰۱/۲۰

### چکیده

**بیان مساله:** پژوهش حاضر به بررسی عوامل کالبدی موثر بر تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین خانه می‌پردازد. «تعامل مطلوب» به معنای ارتباطی است که حد آن توسط فرد قابل تنظیم باشد. از این رو با دو نیاز روانی مهم در انسان یعنی نیاز به ارتباط با دیگران و نیاز به انتخابگری نسبت دارد. خانه باید بتواند شرایط برقراری ارتباط غیر اجباری را میان ساکنینش فراهم نماید. بر این مبنا سوال این است که «کدام الگوهای کالبدی در خانه می‌توانند شرایط برقراری تعامل مطلوب میان ساکنین را بهتر محقق کنند؟» از آنجا که یافتن پاسخ این سوال نیازمند مطالعه همزمان رفتار و فضاست، نیاز است بعضی خانه‌هایی که زندگی در آن‌ها جریان دارد برای بررسی انتخاب شوند. مصداق‌ها، از میان خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه انتخاب شده است. زیرا این خانه‌ها هنوز محل زندگی خانواده‌ها هستند و با داشتن حیاط، از تنوع فضایی مناسبی برخوردارند.

**سوال تحقیق:** «کدام الگوهای کالبدی در خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه، در جهت تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین عمل می‌کنند؟»

**هدف تحقیق:** آن است که با استخراج کلیت‌های کالبدی که با یکی از وجوه کیفیت بخش خانه نسبت دارد، الگوهایی برای طراحی بهتر خانه به دست آید.  
**روش تحقیق:** ترکیبی از نمونه موردی و کیفی است. ابتدا سه محله از محله‌های بافت میانی کرمانشاه انتخاب شده، سپس به اقتضای وسعت هر محله، تعداد سه یا چهار خانه به شکل تصادفی برای مطالعه میدانی انتخاب گردیده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها از مصادیق، کیفی و ترکیبی از مصاحبه عمیق با ساکنین، مشاهده رفتارها و برداشت کروکی‌هایی از فضاهاست. تحلیل داده‌ها به روش کیفی انجام شده است.

**مهمترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق:** در همه خانه‌های مذکور حداقل سه نوع فضا وجود دارد که به ترتیب برای پناه بردن به تنهایی، در جمع بودن و تجربه تنهایی در کنار جمع، توسط ساکنین استفاده می‌شود. الگوهای کارآمد در این خانه‌ها به سلسله مراتب فضاهای خانه، سازماندهی پر و خالی، تنوع فضاها، همنشینی فضاها، لبه‌ها و مرزها و اجزاء درونی فضاها مربوط می‌شود. در کل هر قدر در یک خانه فضاهای نیمه خصوصی بیشتری به شکل حائل برای فضاهای خصوصی عمل کرده و در عین حال فضاهای جمعی را در بر گرفته و به آنها اشراف داشته باشند، در آن خانه امکان تجربه تعامل مطلوب برای ساکنین بهتر فراهم می‌شود.

**کلمات کلیدی:** خانه، الگوهای کالبدی، تعامل مطلوب، بافت میانی کرمانشاه

\* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رقیه محمودیانی با عنوان «طراحی آپارتمان مسکونی بر مبنای الگوهای کالبدی تقویت کننده رویدادهای زندگی در خانه ایرانی» است که در بهمن ماه ۱۳۹۸ به راهنمایی الهام بختیاری منش و مشاوره مجید رستمی قلعه لانی در گروه معماری دانشگاه رازی ارائه شده است.

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول): e.bakhtiari@razi.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه: rmahmoodiani1369@gmail.com

۳- مربی گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه: M.Rostami@razi.ac.ir

## ۱- مقدمه؛

انتخاب است، به هر دو نیاز اصلی روانی انسان یعنی نیاز به ارتباط و نیاز به آزادی مربوط می‌شود.

بنا به مطالعات حوزه روانشناسی محیط، کالبد مکان می‌تواند در پاسخگویی به نیازهای روانی انسان موثر باشد. در این صورت تأمین نیازهای روانی در کالبد خانه به عنوان مکانی که ارتباط فیزیکی و معنایی بسیار نزدیکی با انسان دارد، ضروری تر از هر مکان دیگری است.<sup>۲</sup> کالبد خانه لازم است از سویی امکان برقراری ارتباط با دیگران را برای فرد فراهم آورد و از سوی دیگر تا حدی به فرد آزادی عمل و قدرت انتخاب دهد. به عبارت دیگر کالبد خانه باید به تحقق تعامل مطلوب افراد با یکدیگر کمک کند. این مساله در فرهنگ‌های خانواده محور که در آن خانه محل زندگی اجتماعی کوچک بوده و «سلامت تعاملی»<sup>۳</sup> افراد در آن از اهمیت بالایی برخوردار است، ضروری تر می‌شود. در چنین بسترهای فرهنگی، شناخت عواملی که امکان تجربه طیف وسیع‌تری از حالت‌های ارتباطی - از کاملا در جمع بودن گرفته تا کاملا تنها بودن - را به ساکنین خانه می‌دهد، الزامی است. عوامل کالبدی مذکور را می‌توان در قالب الگوهایی شناسایی نمود. مقصود از الگوهای کالبدی، مجموعه‌ای از روابط و قوانین کلی میان اجزاء فضا است که در هنگام طراحی می‌توانند به شکل‌های متنوعی ترجمه گردند.

از میان عوامل کالبدی مرتبط با ارتقاء کیفیت‌های خانه که در منابع به آنها پرداخته شده، الگوهایی که توسط کریستوفر الکساندر و برخی پژوهشگران متعاقب او طرح شده‌اند، کامل‌ترین. این الگوها اتصال بیشتری با راهکارهای طراحی دارند. برخی از این الگوها مستقیماً با تحقق تعامل مطلوب میان ساکنین خانه نسبت دارند. با این حال مبنای شهودی و استقرایی دستیابی به این الگوها، دامنه شمولیت آن‌ها را مورد سوال قرار می‌دهد. (شریف و محمدعلی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۶) به همین نسبت، در این منابع اغلب، مرز الگوهای فراگیر و جهانی از الگوهای فرهنگی و وابسته به مکان تفکیک نشده است. این مسأله کاربرد الگوهای مذکور را در زمینه‌های مکانی گوناگون با تردید همراه می‌سازد. در پژوهش حاضر سعی می‌گردد با روشی دقیق تر، با رجوع به مصادیقی از خانه

یکی از اصلی‌ترین انتقادات به معماری دوران جدید، محدود کردن طراحی خانه به موضوعات کمی و در نتیجه از دست رفتن برخی کیفیت‌های مهم این مکان است. به عنوان مثال «آکه دان» ثابت می‌کند «ساکنان خانه‌های جدید در مناطق مسکونی نوساز سوئد به ندرت حس قلمرو و سکونت را تجربه می‌کنند». (نیلاندر، ۱۳۹۰: ۱۰) پژوهشگرانی همچون نوربرگ شولتز، پالاسما، راپاپورت و الکساندر هر یک به گونه‌ای به مقوله عدم وجود کیفیت در فضای امروزی خانه پرداخته و راهکارهایی در این زمینه ارائه داده‌اند. در همه این دیدگاه‌ها، توجه به نیازهای روانی انسان در طراحی خانه به عنوان عاملی مهم در نیل به کیفیت دانسته شده است. (Wentling, 1995: 5)

با توجه به وجه مشترک نظرات روان‌شناسانی هم‌چون «مازلو» و «فرانکل»، مهم‌ترین نیازهای روانی انسان عبارتند از «آزادی در انتخاب»، «توانایی عشق ورزیدن و پذیرش محبت دیگران»، «توانایی برقراری ارتباط با خداوند» و «توانایی برقراری ارتباط با طبیعت». (مازلو، ۱۳۷۶) و (فرانکل، ۱۳۸۰) با تعمق در ویژگی‌های ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که سلامت روانی انسان، به دو عامل «توانایی برقراری ارتباط با دیگران» و «انتخابگری» مربوط است. صاحب نظرانی هم‌چون آلتمن که نیاز انسان را به برقراری ارتباط مورد مطالعه قرار داده‌اند، نیاز به تنهایی را به عنوان وجه مکمل ارتباط با دیگران مطرح کرده‌اند. آن‌ها بر این مینا از ضرورت وجود امکان تنظیم حد ارتباط سخن گفته‌اند. (رازجو، ۱۳۹۸: ۳۸۳) در این صورت، اولاً ارتباط با دیگران درجاتی دارد که از کاملا تنها بودن تا در جمع بودن گسترده شده است. دوم؛ در زمان‌های گوناگون و بنا به حالات روانی انسان، حد این نیاز تغییر می‌کند و سوم، مطلوب بودن ارتباط با دیگران در گرو امکان تنظیم حد مورد نیاز ارتباط در هر زمان توسط فرد است. (همان‌جا) در این صورت هر چند تعامل انسان با دیگران یکی از اصلی‌ترین نیازهای روانی اوست ولی این تعامل زمانی مطلوب است که آزادانه باشد. به این ترتیب «تعامل مطلوب»، که به معنای ارتباط غیر اجباری و قابل



و از مسیر شناخت رفتارها و تعاملات افراد و فضاهای پاسخگو به آنها، برخی الگوهای کالبدی تقویت‌کننده تعامل مطلوب میان ساکنین خانه احصاء گردد. سپس الگوهای به دست آمده با الگوهای ذکر شده در منابع قیاس شود. از این مسیر در صورت وجود قرابت میان این دو دسته الگو، بر اعتبار هر دو افزوده می‌شود. در عین حال الگوهای جهانی و بومی بیش از پیش تشخیص داده می‌شوند.

از آنجا که مبنای پژوهش حاضر، شناخت رفتار ساکنین خانه است، لازم است مصادیق از میان خانه‌هایی انتخاب شود که زندگی در آن‌ها جریان دارد و واجد تنوع بیشتری از فضاها هستند. به همین دلیل خانه‌هایی از بافت میانی شهر کرمانشاه به عنوان مصداق‌های بررسی در این پژوهش انتخاب شده‌اند.<sup>۴</sup>

اغلب خانه‌های بافت تاریخی شهر یا مخروبه و خالی از جریان زندگی شده و یا در صورت بازسازی و مرمت، تغییر کاربری داده‌اند و شکل زندگی در آن‌ها تغییر یافته است. بیشتر خانه‌های بافت جدید را هم ساختمان‌های آپارتمانی فاقد حیاط تشکیل می‌دهد. موارد معدود خانه‌های حیاطدار موجود در این بافت هم به دلیل محصور شدن در میان ساختمان‌های بلند و مشرف، کیفیت‌های فضاهای باز و نیمه باز خود را از دست داده‌اند. اما تعداد خانه‌های پابرجا در بافت میانی که شکل اولیه خود را حفظ کرده‌اند و هنوز زندگی در آن‌ها جریان دارد، نسبتاً زیاد است. این خانه‌ها اغلب حیاطدار، کوچک و در ارتباط بیشتر با کوچه هستند. به این ترتیب سوالات پژوهش عبارتند از این که:

## ۲- پرسش‌های تحقیق

– آیا الگوهای کالبدی خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه، به تعامل مطلوب میان ساکنین کمک می‌کنند؟

– کدام الگوهای کالبدی در خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه، در جهت تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین عمل می‌کنند؟

– الگوهای کالبدی خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه، چه نسبتی با الگوهای مطرح شده در منابع دارند؟

## ۳- فرضیه تحقیق

پژوهش حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول که با سوال اول پژوهش تناظر دارد، فرضیه آن است که خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه واجد ویژگی‌های کالبدی هستند که سبب می‌شود این خانه‌ها بتوانند شرایط برقراری تعامل مطلوب میان ساکنین را فراهم کنند. در بخش دوم پژوهش که ناظر به یافتن الگوهای موثر در این خانه‌هاست، ماهیت کیفی پژوهش اقتضا می‌کند که در ابتدای تحقیق فرضیه‌ای وجود نداشته باشد.

## ۴- پیشینه تحقیق

مبنای نظری پژوهش‌های مرتبط که عوامل کالبدی موثر بر تأمین ارتباط، خلوت و حریم را در فضای خانه مورد مطالعه قرار داده‌اند، اعتقاد به لزوم تناسب کالبد خانه با رویدادهای زندگی است. (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۵: ۱۴۲) و (راپاپورت، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۹۹) بر همین میناست که راپاپورت ساختار خانواده، نحوه گردهمایی اعضاء خانواده، نگاه آن‌ها به طبیعت و غیره را بر شکل خانه، محل قرارگیری آن و شکل ارتباط آن با سایت تأثیرگذار می‌داند. (راپاپورت، ۱۳۹۰: ۱۲۱) علاوه بر این کالبد هم می‌تواند زمینه را برای ایجاد بعضی رفتارها و ادراک بعضی معانی فراهم کند. از نظر نوربرگ شولتز، چنانچه کالبد خانه شرایطی را برای ارتباط ساکنین با طبیعت فراهم آورد، به تحقق رویداد زندگی کمک کرده است.<sup>۵</sup> (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۵: ۱۴۲ و ۱۴۳) یوهانی پالاسما نیز اعتقاد دارد؛ کالبد خانه می‌تواند با آشکار کردن تغییراتی که در طبیعت رخ می‌دهد، انسان را به جریان طبیعت وارد کرده و موجب ادراک آن شود. (پالاسما، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۰) کالبد خانه علاوه بر این که می‌تواند ارتباط افراد با طبیعت را تقویت کند، به عنوان موثرترین عامل در افزایش تعامل میان افراد مطرح گردیده است. (باقری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶)

«اولا نیلاندر» با دسته بندی ویژگی‌های معماری خانه به «محسوس» و «نامحسوس»، ویژگی‌های غیرقابل اندازه‌گیری معماری خانه را مشخصه‌های کیفی، زیبایی شناختی و نمادینی می‌داند که خانه را خانه می‌کنند. (نیلاندر، ۱۳۹۰: ۱۳) او با بررسی چهار نمونه مجموعه مسکونی، هفت عامل را که بر درک افراد از ویژگی‌های کیفی خانه و ایجاد «حس در خانه بودن» تأثیر گذارند، معرفی می‌کند. (همان: ۲۴-۶۴) در میان این عوامل،



«سازماندهی فضایی خانه» به معنای «چیدمان فضاهای خصوصی و عمومی و رابطه میان آن‌ها» (همان: ۵۹) با تأثیری که بر تعیین قلمرو، آزادی عمل و تنظیم حریم‌های شخصی افراد می‌گذارد، به طور مستقیم بر تعامل آن‌ها با دیگران موثر است. (همان: ۱۱۸-۱۲۷) همچنین «تنوعی از فضاهایی با درجه محصوریت‌های متفاوت» در صورتی که در جهت تعریف سلسله مراتب فضاها به کار گرفته شود، می‌تواند بر تحقق تعامل مطلوب اثرگذار باشد.

«تعریف شدن»، «امکان بسط و ترکیب» و «تمتایز بودن» فضاها از هم، از جمله عواملی است که در نتیجه پژوهش انجام شده توسط حائری، به عنوان عوامل ارتقاءدهنده کیفیت زندگی در خانه مطرح گردیده‌اند. (حائری، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۰۸) از این میان دو عامل نخست با تقویت تعامل مطلوب نسبت دارند. زیرا «مشخص شدن قلمروهای عمومی و خصوصی، تأمین خلوت، برقراری ارتباط با دیگران و غیره در گرو تعریف شده بودن فضاها {و تعیین حدود آنها} است.» (همان: ۹۸) از سوی دیگر «بسط فضایی» به معنای قابلیت ترکیب شدن فضا با دیگر فضاها در عین استقلال داشتن است. این قابلیت، انعطاف‌پذیری فضا را افزایش داده و امکان اتصال چند فضا را به هم فراهم می‌کند. این ویژگی به وجود مفصل‌های فضایی وابسته است که می‌توانند در جهت انطباق با رویدادهای زندگی، هر یک از دو نقش جداکننده و یا پیوند دهنده را بپذیرند. (همان: ۱۰۲)

باقری و دیگران (۱۳۹۴: ۱۵۴) در پژوهشی که به ارزیابی تناسب الگوهای کالبدی و الگوهای ادراکی- رفتاری در خانه می‌پردازد، به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط افراد خانواده با یکدیگر با سلسله مراتب داشتن فضاهای خانه و وجود حیاط مرکزی و ایوان سازگاری دارد. همچنین فضای ایوان و تالار به ترتیب به عنوان مهم‌ترین عوامل کالبدی موثر بر ارتباط ساکنین با افراد بیرون خانه و با یکدیگر در درون خانه در بعضی گونه‌های مسکن<sup>۶</sup> شناخته شده است. (رازجو و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۷۹)

با تعمق در منابع مذکور می‌توان مهم‌ترین عوامل کالبدی موثر بر تعامل افراد در خانه را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود؛ اول «سازماندهی فضایی واجد سلسله مراتب» در خانه که خود به «ترتیب قرارگیری فضاها» و

«بهره‌گیری از عوامل ایجادکننده تمایز فضایی در جهت تعریف عرصه‌های خصوصی تا عمومی» وابسته است. دوم «امکان بسط فضاهای خانه و ترکیب شدن آن‌ها با هم». فضاهای واجد سلسله‌مراتب زمینه‌ای را ایجاد می‌کنند که فرد از طریق حرکت در فضاها، در هر لحظه و به تناسب نیاز روانی‌اش، بتواند فضایی را با حد مطلوب تعامل انتخاب کند. اما در فضاهایی با امکان بسط و ترکیب، فرد بدون ترک مکان و تنها از طریق تنظیم میزان بسته یا باز بودن جداره‌ها می‌تواند به حد مطلوب از تعامل دست یابد.

در پژوهش دیگری که به طور خاص به الگوهای متناسب با افزایش تعامل میان اعضاء خانواده در خانه می‌پردازد، نتایج قابل توجهی به دست آمده است. در این پژوهش حسینی و دیگران (۱۳۹۵: ۴۱) طراحی قلمروهای فردی، قلمروهای جمعی، مفصل‌ها و سازمان فضایی قلمروها را در تقویت کالبد خانه از این وجه موثر دانسته‌اند. قلمروهای فردی انعطاف‌پذیر و تا حد ممکن شفاف، قلمروهای جمعی که برخی عملکردهای مربوط به قلمروهای فردی را هم در خود جای داده و از کیفیت فضایی مناسبی برخوردار هستند، وجود مفصل قوی میان فضاهای خانه و همچنین بهره‌گیری از قلمرو جمعی به عنوان عاملی مرکزی که قلمروهای فردی در پیرامون آن سازماندهی می‌شوند از جمله عواملی است که کالبد خانه را در جهت تقویت تعامل میان ساکنین کارآمد می‌نماید. برخی نتایج پژوهش مذکور به راهکارهای عملی و طراحانه منجر شده ولی بخش‌هایی از آن به خصوص در مورد نحوه طراحی مفصل‌ها و یا چگونگی اضافه شدن عملکردهایی به قلمروهای جمعی کلی بیان گشته و قابل تدقیق است.

علاوه بر این منابع، کریستوفر الکساندر و برخی پژوهشگران متعاقب او، بیشتر به دنبال یافتن قاعده‌مندی‌های کالبدی که کیفیت زندگی را در مکان‌ها ارتقاء می‌دهد، الگوهایی ارائه کرده‌اند. این الگوها ملموس‌تر از عوامل کلی یاد شده است و اتصال بیشتری با راهکارهای طراحانه دارد.



جدول ۱: الگوهای مرتبط با تقویت تعامل میان ساکنین خانه نزد کریستوفر الکساندر و پژوهشگران هم نظر با او، تنظیم شده توسط نویسندگان، ۱۳۹۹

الگوها	ریز الگوها	الگوهای مرتبط با تقویت تعامل میان ساکنین خانه	علت اهمیت الگو
	سلسله مراتب	قراردادن فضاهای خانه به ترتیب؛ ورودی، بخش‌های عمومی، حریم‌های خصوصی و خصوصی‌ترین بخش‌ها (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۰۹) - نزدیکی فضاهای جمعی خانه به بخش‌های عمومی سایت و قرارگیری فضاهای خصوصی خانه در بخش‌های دورتر سایت (Jacobson, 2002: 26) قابل دیدن بودن فضاهای عمومی از درون فضاهای دیگر خانه، جدا نمودن فضاهای خصوصی به لحاظ دیداری و شنیداری از فضاهای عمومی (Susanka, 2008: 37)	داشتن روابط دوستانه با دیگران در عین حفظ حریم خصوصی (Alexander, 1970: 128) تناسب فضاها با حالت‌های روحی افراد اعم از میل به تنهایی یا با دیگران بودن (Susanka, 2008: 37) حفظ محرمت و قلمرو (Wentling, 1995: 121)
سازمان فضایی	همنشینی فضاها	قرارگیری فضاهای فعال خانه حداقل در دو طرف حیاط (Alexander, 1970: 121-123) دسترسی از فضاهای پرکاربرد مانند آشپزخانه و نشیمن، به فضای نیمه‌باز (Wentling, 1995: 121) قرارگیری فضای نیمه باز در کنار آشپزخانه برای پخت و پز و غذاخوردن (Wentling, 1995: 122) - طراحی فضایی صمیمی و غیررسمی برای گفتگوی خانواده و غذاخوردن خانوادگی در کنار آشپزخانه (Susanka, 2008: 41) وجود ارتباط دیداری میان آشپزخانه و فضای بازی بچه‌ها (Susanka, 2008: 123) قرار دادن فضای زندگی جمعی در ارتباط با حیاط و تراس (Jacobson, 2002: 67)	گسترش محدوده‌ی زندگی فضاهای داخلی (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۷۷-۳۷۹) تأمین نیاز والدین و بچه‌ها برای با هم بودن در عین انجام فعالیت‌های خود. (Susanka, 2008: 124)
	پر و خالی	مهم بودن توامان فضاهای پر و خالی و وجود ارتباط تکمیلی میان آن‌ها (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۳) (Jacobson, 2002: 59) قرارگیری فضای باز رو به جنوب (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۶۱)	مناسب‌شدن فضای باز برای استراحت و تفریح خانواده (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۶۲-۲۶۱)
لبه‌ها	مرز بین فضاهای درونی	قرارگیری یک مفصل فضایی میان فضاهای بسته و باز خانه. (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۷۴ و ۳۷۵) و (Jacobson, 2002: 231-233) ایجاد فضاهایی در مقیاس کوچک، در گوشه‌های فضای جمعی (Susanka, 2008: 64) ایجاد گوشه‌های نیمه‌خصوصی در اطراف فضاهای عمومی خانه (Jacobson, 2002: 179-181)	
	حیاط	طراحی فضای باز به شکل احاطه‌شده توسط دیگر بخش‌های خانه (الکساندر، ۱۳۸۸) و (Jacobson, 2002: 27) تعریف‌شدن فضای باز به کمک سقف، کف، دیوارهای پیرامونی‌اش (Jacobson, 2002: 61) قرار دادن جایی برای نشستن و تکیه‌دادن در فضای باز و وجود چشم‌اندازی از این نقطه به فضای باز بزرگتر (Jacobson, 2002: 209) وجود مکانی سرپوشیده مرتبط با فضای باز بزرگتر درون حیاط (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۳) و (Jacobson, 2002: 59)	کمک به حفظ تنهایی در عین با خبر بودن از فعالیت‌های جمع. (Jacobson, 2002)
تک فضاها	فضای نیمه باز	طراحی فضای نیمه باز به صورت فضاهایی محصور و همراه با یک تکیه‌گاه محکم در طبقه‌ی بالاتر از تراز چشم. (Jacobson, 2002: 208, 209) مجاورت فضای نیمه باز با فضاهای اصلی و وابسته به آن. (ibid) وجود حداقل ۲ متر عمق برای هر فضای نیمه باز. (Alexander, 1970: 189)	کمک به حفظ تنهایی در عین با خبر بودن از فعالیت‌های جمع. (Jacobson, 2002) کمک به دور هم نشستن و پرهیز از چیدمان خطی (Wentling, 1995: 121)
	آشپزخانه	قراردادن فضایی برای نشستن در داخل آشپزخانه در حد جا برای دو صندلی و خارج از محدوده‌ی تهیه غذا (Susanka, 2008: 41) طراحی آشپزخانه به گونه‌ای که خانم خانه بتواند حین کارکردن، با سایر افراد خانواده نیز در ارتباط باشد. (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۳۲-۳۳۱). ایجاد امکان ساماندهی کارهای اصلی افراد خانواده دور تا دور یک میز بزرگ در آشپزخانه (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۳۲-۳۳۱)	
	اتاق نشیمن	اختصاص گوشه‌ای از اتاق نشیمن به محل بازی کودکان (الکساندر، ۱۳۸۸: ۳۲۸-۳۲۷) - قرار دادن فضاهایی مجزا که به اتاق نشیمن باز می‌شوند (Alexander, 1970: 142-144) - قرار دادن تعدادی اتاق‌های کوچک‌تر که اعضای خانواده بتوانند در آن‌ها کارهای مختلفی را انجام دهند؛ با اندازه‌ی حدود ۱۸۰ سانتی‌متر عرض و ۹۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر عمق. (الکساندر، ۱۳۸۸: ۴۲۶-۴۲۵) - وجود توالی‌ای از فضای نشیمن با درجات متفاوتی از صمیمیت (الکساندر، ۱۳۸۸: ۴۱۴-۴۱۰)	فراهم کردن امکان با هم بودن افراد و در عین حال تنها بودن آن‌ها. (الکساندر، ۱۳۸۸)
	اتاق خواب	اختصاص بخشی از منزل به منطقه‌ای که حریم خصوصی زوجین باشد. (الکساندر، ۱۳۸۸) - اختصاص مکانی به هر کدام از بچه‌ها که بتوانند در آن خلوت کنند. (Susanka, 2008: 123-125)	





از میان این الگوها می‌توان الگوهایی را که با تقویت تعامل میان ساکنین خانه نسبت دارند<sup>۷</sup>، در سه دسته در نظر گرفت؛ الگوهایی که به سازماندهی فضای خانه مرتبط می‌شوند، الگوهایی که به طراحی لبه‌ها و مرزهای فضاهای خانه مرتبط هستند و الگوهایی درباره اجزاء درونی تک فضاها، در مواردی علت تأثیر این الگوها بر تعامل مطلوب هم در منابع ذکر شده است. (جدول ۱)

الگوهای مطرح شده توسط الکساندر و صاحب‌نظران هم عقیده با او نسبتاً کامل و عوامل کالبدی ذکر شده در دیگر منابع را نیز در بر می‌گیرند. با این حال مبنای شهودی و استقرایی پژوهش‌های منتج به این الگوها، دامنه شمولیت‌شان را مورد سوال قرار داده است<sup>۸</sup> و راه را بر اضافه شدن الگوهایی دیگر به آنها باز می‌گذارد. (شریف و محمدعلی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۶) به علاوه در اغلب موارد، مرز الگوهای فراگیر و جهانی از الگوهای فرهنگی و وابسته به مکان تفکیک نشده است. این امر کاربرد الگوهای مذکور را در زمینه‌های مکانی گوناگون با تردید همراه می‌سازد.

با توجه به آنچه بیان شد هر چند الگوهای مطرح شده در جدول ۱ می‌تواند مبنای نظری پژوهش حاضر را تشکیل دهد اما با نگاهی نقادانه و تدقیق‌کننده باید به آنها نگرینسته شود. این امر مستلزم آزمون این الگوها در مصادیق است. در این صورت چنانچه نسبت داشتن تعامل مطلوب در مصادیق با الگوهای مذکور اثبات شود، بر اعتبار الگوها افزوده شده و همچنین الگوهای جهانی مشخص می‌گردد. علاوه بر این الگوهای بومی و منطقه‌ای از این مسیر شناسایی می‌گردد و دامنه الگوهای وابسته به مکان و قابل استفاده در یک منطقه وسعت می‌یابد. پژوهش حاضر سعی دارد با رجوع به مصادیقی از خانه‌های کرمانشاه، نسبت تعامل میان ساکنین با الگوهای مطرح شده در منابع را سنجیده و در صورت امکان بر این الگوها بیفزاید.

### ۵- روش تحقیق

راهبرد پژوهش حاضر که ماهیتی «کاربردی» دارد، ترکیبی از «نمونه موردی» و «کیفی» است. روش نمونه موردی در پژوهش، «جست و جویی تجربی است که یک پدیده یا مکان معین را در متن زندگی واقعی مورد بررسی قرار می‌دهد» (گروت و وانگ، ۱۳۹۴: ۳۴۶) و

«می‌تواند تبیینی، توصیفی، اکتشافی و یا ترکیبی از آنها باشد.» (همان: ۳۴۹)

داده‌ها به روش میدانی و با رجوع به مصادیق جمع‌آوری شده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها کیفی و ترکیبی از مصاحبه عمیق با ساکنین، مشاهده رفتارهای ساکنین و برداشت کروکی‌هایی از فضاهاست.<sup>۱۴</sup> در تحلیل داده‌های برآمده از مصادیق از بعضی روش‌های «نظریه زمینه‌ای»<sup>۱۵</sup> از جمله «پرسیدن سوالات استفهامی»<sup>۱۶</sup> و «ساز مخالف زدن»<sup>۱۷</sup> بهره برده شده است. به این ترتیب که بدون داشتن فرضیه‌ای خاص به جریان زندگی درون هر خانه و فضاهای آن رجوع شده و از طریق پرسیدن سوالاتی از قبیل «در این خانه (فضا) چه اتفاقی می‌افتد؟»، «چگونه» و «چرا» و همچنین زیر سوال بردن امور قطعی و پذیرفته شده در مورد هر خانه یا فضا، سعی گردیده بعضی عوامل کالبدی موثر بر تعامل ساکنین با یکدیگر کشف گردد. علاوه بر مصادیق، منابع مکتوب هم که شامل الگوهای کالبدی مطرح شده توسط صاحب نظران در جهت کیفیت بخشی به فضاهاست، به طور موازی مورد مطالعه قرار گرفته است. علت رجوع به بافت میانی شهر کرمانشاه، حفظ شدن شکل اولیه اغلب خانه‌ها در این بافت، جریان داشتن زندگی در آنها و بهره‌مندیشان از فضای حیاط است. خانه‌های بافت تاریخی اغلب دو شرط نخست را ندارند و خانه‌های بافت جدید از شرط آخر یعنی داشتن حیاط بی‌بهره‌اند. لزوم جریان داشتن زندگی در مصادیق مورد بررسی، نیاز به تطبیق رفتارها و کالبد است. لزوم بهره‌مندی مصادیق از فضای حیاط، نقش مهم این فضا در کیفیت بخشی به خانه است. ماهیت کیفی پژوهش و ضرورت تعمق در مصادیق، سبب شد، به تعداد محدودی از خانه‌ها (ده خانه) اکتفا شود. در جهت اعتبارپذیری پژوهش سعی شده از «مثلت بندی» استفاده شود.<sup>۱۸</sup> به این منظور «سه» محله از محله‌های بافت میانی شهر یعنی محله‌های «شریعی»، «وزیری» و «سرچشمه» انتخاب شده و از هر محله به شیوه‌ی تضادفی «سه» خانه مورد بررسی قرار گرفته است. البته به دلیل وسعت محله «سرچشمه»، چهار نمونه خانه از این محله انتخاب شده است. همه خانه‌ها با مساحت کم، دو طبقه و حیاط‌دار هستند.

جدول ۲: سوالات خلاصه شده مصاحبه با ساکنین خانه شماره ۱ و مفاهیم کلیدی استخراج شده از آن. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

خانه شماره ۱	
محل: شریعتی	نوع تملک: ساکنین صاحب خانه هستند
مصاحبه شونده: <b>مادر خانواده</b>	گونه: <b>حیاط‌دار</b>
سوالات خلاصه شده مصاحبه بر مبنای پرسش‌های استقهامی	
۱- پرسش از نوع فعالیت‌هایی که در یک فضای خاص (به خصوص حیاط) رخ می‌دهد. (what)	۱- انجام دادن فعالیت فردی در عین ارتباط با خانواده ۲- رفع کردن خستگی ذهنی با نشستن در حیاط ۳- برقرار شدن ارتباط بدون برنامه میان مادر و دختر ۴- دور هم جمع شدن اعضای خانواده ۵- مراقبت کردن از گلدان‌ها در حیاط ۶- داشتن حس در پناه بودن ۷- برقرارشدن ارتباط - با هم صحبت کردن و چایی خوردن - میان مادر و اعضای خانواده هنگام رفت و آمد به خانه ۸- بازی کردن بچه‌ها در حیاط در کنار بزرگترها ۹- حضور نیافتن اعضای خانواده در تراس، ضعیف بودن ارتباط طبقه بالا با حیاط ۱۰- حفظ شدن حریم اتاق‌های خواب نسبت به حضور مهمان ۱۱- داشتن امنیت در حیاط نسبت به بیرون از خانه
۲- پرسش از زمان فعالیت‌هایی که در یک فضای خاص (به خصوص حیاط) رخ می‌دهد. (when)	
۳- پرسش از مکان ریز فعالیت‌هایی که در یک فضای خاص (به خصوص حیاط) رخ می‌دهد. (where)	
۴- پرسش از افرادی که فعالیت را در یک فضای خاص (به خصوص حیاط) انجام می‌دهند. (who)	
۵- پرسش از علت‌های کالبدی انتخاب آن فضای خاص برای انجام آن فعالیت. (why)	

**بهار خواب: لبه ای را نسبت به حیاط تعریف می‌کند. جریان زندگی را از این فضا نظاره می‌کنند.**

۱. بین دو فضایی هست که در طول روز، در آنها فعالیت جاری است. این موضوع سبب شده فضای بهار خواب خصلت واسطه بودن پیدا کند.

● از داخل، به آشپزخانه یا هال ارتباط دارد. اگر فضای جمعی نبود چه می‌شود؟

وجود دسترسی از فضای جمعی داخل به این فضا، دعوت‌کننده است. چون اعضای خانواده می‌توانند بعضی از فعالیت‌های خود را مانند آشپزی، چای نوشیدن، انجام دادن تکالیف مدرسه، بازی کردن با بچه‌ها و ... به این فضا بیاورند.

اگر فضای دوم شخصی باشد، دسترسی به بهار خواب از اون فضا به خصوصی بودن فضا لطمه می‌زنه و دسترسی محدود میشه.

● نوع ارتباط با فضای داخلی مجاور و فضای حیاط

از حیاط به بهار خواب دسترسی هست، اگر دسترسی نبود بهار خواب به فضایی برای نظاره متمایل میشد. اگر بخواهیم این فضا در ارتباط با زندگی باشد دسترسی تقویت می‌کند. و اینکه اختلاف این فضا با حیاط چقدر باشد روی ارتباط تاثیر دارد. این اختلاف اگر در حدی باشد که ارتباط دیداری و ارتباط کلامی میان اعضا در هر دو فضا را حفظ کند خصلت در جریان زندگی بودن بهار خواب را تقویت می‌کند. وجود دسترسی از داخل و از حیاط، خصلت جمع‌کننده بودن بهار خواب را تقویت کرده است.

اگر فقط پنجره باشه آدم‌ها داخل حیاط و داخل فضای بسته، ارتباط ضعیفی پیدا می‌کنند و فرصت انجام دادن فعالیت‌های فردی ضمن شرکت در بقیه فعالیت‌ها و نظارت بر آنها را کم می‌کند.

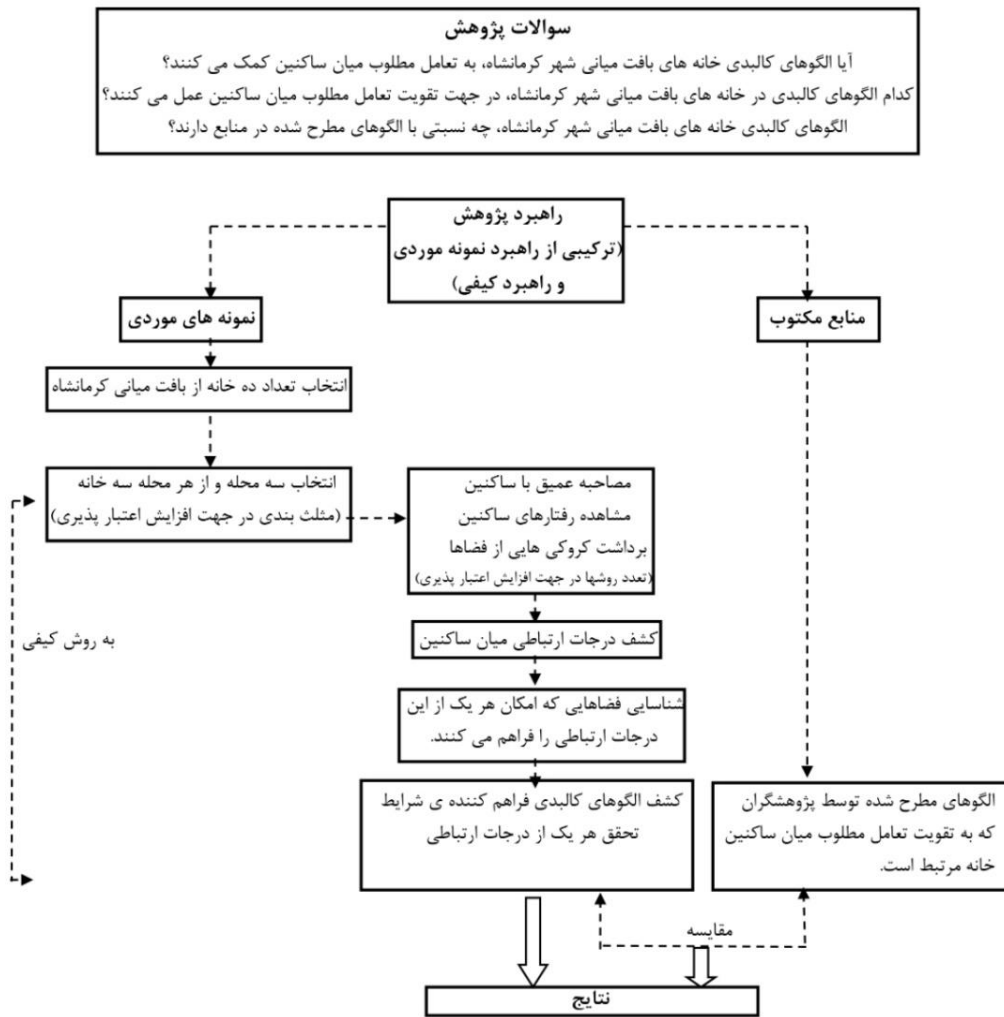
تصویر ۱: نمونه‌ای از تحلیل فضای بهار خواب به روش ساز مخالف زدن، نگارندگان، ۱۳۹۸

سپس سعی شده مهم‌ترین فضاهایی که امکان هر یک از این سطوح ارتباطی را فراهم می‌کنند شناسایی شوند.<sup>۲۰</sup> (تصویر ۱)

در ادامه از طریق تحلیل، الگوهای کالبدی فراهم‌کننده شرایط این نوع ارتباط استخراج شده است.<sup>۲۱</sup>

در مرحله اول با رجوع به خانه‌ها، انواع سطوح ارتباطی میان ساکنین - از کاملاً تنها بودن تا کاملاً در جمع بودن - از طریق مصاحبه عمیق و مشاهده مشخص گردیده است.<sup>۱۹</sup> (جدول ۲)





تناظر میان محیط و رفتار که توسط نظریه‌پردازان روان‌شناسی محیط با طرح مفهوم «قرارگاه‌های رفتاری»<sup>۱۱</sup> مورد توجه قرار گرفت (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۱۷) به زعم کریستوفر الکساندر و برخی نظریه‌پردازان ساختارگرایی متعاقب او<sup>۱۲</sup>، بیش از هر چیز به «قاعده‌مندی‌های» مستتر در رفتار و کالبد وابسته است. به این معنا، هر رفتار از قاعده‌مندی‌ای تبعیت می‌کند که به مثابه یک «الگو»<sup>۱۳</sup> قابل کشف است. هر «الگوی رفتاری» الزامات شکلی، فضایی خاصی دارد و با «الگوهای کالبدی» محدودی سازگار است. (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۳۱) الگوهای کالبدی که در مقیاس‌های گوناگون محقق می‌شوند، زیربنایی‌تر و کلی‌تر از اشکال بوده و در صورت انطباق با الگوهای رفتاری، می‌توانند در شکل‌های متنوع‌تری ظهور پیدا کنند. از سوی دیگر به

تصویر ۲: دیاگرام فرآیند پژوهش، نگارندگان، ۱۳۹۹  
 در مرحله بعد الگوهای کالبدی استخراج شده از مصادیق با الگوهای ذکر شده در منابع مقایسه شده است. (تصویر ۲)

## ۶- مبانی نظری

از میان چهار موضع نظری که درباره نسبت محیط و رفتار انسان مطرح شده است، مبانی نظری پژوهش حاضر با «رویکرد احتمال‌گرا» قرابت دارد.<sup>۹</sup> در این رویکرد اعتقاد بر آن است که هر محیط به واسطه ویژگی‌هایش و با تاثیر نسبی‌ای که بر رفتار دارد، «می‌تواند» بعضی رفتارها را تسهیل کرده و از بروز بعضی رفتارها ممانعت به عمل آورد.<sup>۱۰</sup> (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۱۴)





آشپزخانه با علامت ستاره و ورودی با مثلث مشخص شده است.

مفاهیم کلیدی مستخرج از مصاحبه‌ها را که به نحوه استفاده از فضاها مربوط می‌شود، می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی نمود.

- انجام دادن فعالیت فردی در عین در ارتباط بودن با دیگر اعضای خانواده. مثلاً آشپزی کردن در گوشه حیاط یا مشق نوشتن روی تخت درون حیاط
- رفع خستگی ذهنی. مثلاً از طریق نشستن در حیاط
- برقرار شدن ارتباط‌های دو نفره میان اعضای خانواده. مثلاً میان مادر و دختر در فضای بهار خواب
- دور هم جمع شدن اعضای خانواده درون حیاط یا بهار خواب برای صحبت کردن و چای خوردن یا خوابیدن
- برقرار شدن ارتباط میان اعضای خانواده هنگام ورود و خروج از خانه. مثلاً ارتباط اهالی خانه با مادر که در حال آشپزی کردن در گوشه حیاط است.
- بازی کردن بچه‌ها در حیاط و مشارکت و نظارت بزرگترها در بازی بچه‌ها. مثلاً مادر که در بهارخواب نشسته و بر بازی بچه‌ها در حیاط نظارت دارد.
- دور هم جمع نشدن اعضای خانواده در فضاهای طبقات بالاتر
- حفظ شدن حریم اتاق‌های خواب؛ راحت بودن به دلیل دیده‌نشدن اتاق از سمت حیاط و داشتن امنیت نسبت به حضور نیافتن مهمان در اتاق خواب
- توجه به این موارد در کنار مشاهده رفتار ساکنین و بررسی فضاها، مشخص نمود که همه خانه‌های مورد مطالعه واجد انواعی از فضاهای زیر هستند؛  
اول؛ فضاهایی که افراد در زمان نیاز به بیشترین حد تنهایی از آنها استفاده می‌کنند. در این فضاها ارتباط دیداری و شنیداری فرد با دیگران به حداقل می‌رسد.  
دوم؛ فضاهایی که افراد در زمان نیاز به تنها بودن و در عین حال در جمع بودن از آن استفاده می‌کنند. در این فضاها فرد در عین اشتغال به کار خود و کناره‌گیری از جمع، به لحاظ دیداری، شنیداری با دیگر اعضای خانواده در ارتباط است.

واسطه وجود رفتارهای مشترک میان آدمیان و رفتارهایی که به مکان و فرهنگ وابسته‌اند، الگوها یک بخش «فراگیر و جهانی» و بخشی «کاملاً وابسته به مکان و فرهنگ» دارند. (بل، ۱۳۸۲: ۱۱)

برقراری تناظر درست میان الگوهای رفتاری و الگوهای کالبدی که یک ضرورت در طراحی محیط است، مستلزم آگاهی داشتن از نیاز استفاده‌کنندگان، رفتارهای برآورنده نیاز و از همه مهم‌تر توانایی کشف و شناخت الزامات کالبدی آن رفتارهاست. با مطرح شدن انتقاداتی که به معماری دوران مدرن وارد بود، توجه به نیازهای روانی انسان از جمله نیاز به خلوت، تعامل و غیره در طراحی محیط به عنوان یک ضرورت دانسته شد. (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۶۵) در حقیقت «خلوت» و «تعامل» مفاهیمی به هم مرتبط و بیانگر نیاز انسان به تنظیم حد ارتباط با دیگران هستند. نیازی که به بیان آلتمن در هر لحظه تغییر کرده و باز تعریف می‌شود. (رازجو، ۱۳۹۸: ۳۸۳)

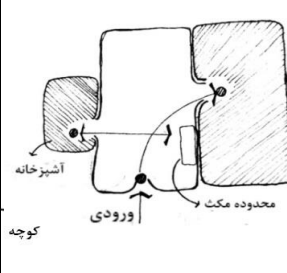
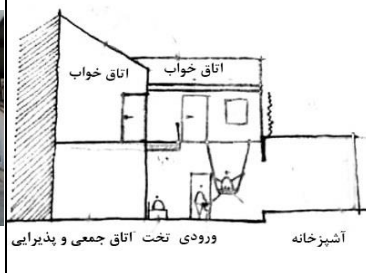

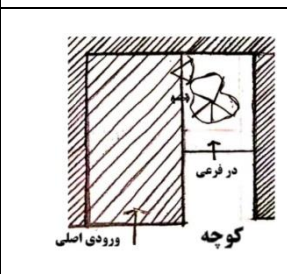
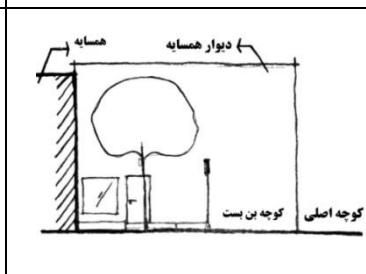
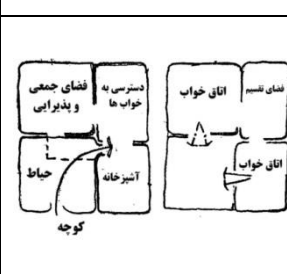
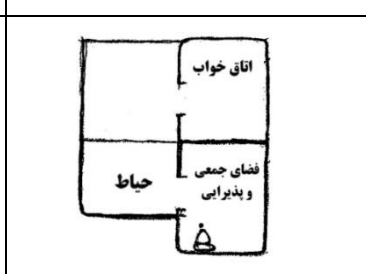
بر این اساس هر قدر محیطی امکانات بیشتری را برای انواع حالت‌های طیف گونه‌ی خلوت یا تعامل فراهم آورد، انسان را در تعیین حدود ارتباطش بیشتر یاری کرده و می‌تواند سلامت روانی او را تقویت نماید. بر این مبنا می‌توان انتظار داشت الگوهای کالبدی‌ای در تناظر با درجات مختلف ارتباط با دیگران وجود داشته باشد. این الگوها قابل کشف هستند.

## ۷- مطالعات و بررسی‌ها

در این پژوهش تعداد ده خانه از سه محله بافت میانی شهر کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفته است. این خانه‌ها به شکل تصادفی انتخاب شده‌اند. با این حال گونه‌بندی مشابهی دارند؛ همگی خانه‌هایی با مساحت کم، دو طبقه و دارای حیاط هستند و یک خانواده در آنها زندگی می‌کند. در جدول ۳ کروکی پلان طبقه همکف خانه‌ها و برشی از قسمت مهمی از خانه آورده شده است.

گونه‌بندی پر و خالی در خانه‌های مورد بررسی، موقعیت ورودی به خانه و همچنین موقعیت اتاق نشیمن (فضای مسقف جمعی خانواده) و آشپزخانه در جدول ۴ آمده است. در این جدول اتاق نشیمن با علامت دایره و



جدول ۳-۱: نمونه‌های مورد مطالعه (خانه‌های محله شریعتی)، نگارندگان، ۱۳۹۹			
محل شریعتی	کروکی پلان همکف	کروکی مقطع از فضاهای مهم	توضیحات و تصویر لازم درباره‌ی هر خانه
خانه ۱			
خانه ۳			در خانه ۳ حیاط بی‌استفاده شده است. اندازه و تناسب این حیاط مشابه دیگر خانه‌های مورد بررسی است و حتی در آن درختی هم وجود دارد. اما دیوار بسیار بلند همسایه محصوریت حیاط را به شدت افزایش داده است.
خانه ۹			اتاق نشیمن این خانه پایین‌تر از سطح حیاط است. در نتیجه ارتباط دیداری بین این دو فضا تضعیف شده است.

ارتباط با دیگران کارآمد است. در جداول ۵ مهمترین فضاهایی که در هر خانه در پاسخ به سه سطح ارتباطی مذکور شناسایی شده آورده شده است. در آخرین ستون این جدول، برخی علت‌های کالبدی‌ای که سبب می‌شود فضا به تحقق آن سطح خاص از ارتباط کمک کند بیان گردیده است. این علت‌ها نتیجه تحلیل فضا به روش کیفی است.

#### ۸- یافته‌های تحقیق

بررسی اطلاعات و تحلیل‌های آورده شده در جداول ۵ نکات زیر را آشکار می‌سازد:

سوم؛ فضاهایی که افراد خانه در زمان نیاز به بودن در جمع و داشتن بیشترین ارتباط با دیگران از آنها استفاده می‌کنند.

این سه نوع فضا، امکان انتخاب ارتباط کم، ارتباط متوسط و یا ارتباط زیاد را بنا به نیاز روانی افراد در هر زمان برای آن‌ها فراهم می‌آورد.

در نتیجه می‌توان گفت کالبد خانه‌های بافت میانی کرمانشاه، تا حدی در ایجاد زمینه برای انتخاب حد



الف) خانه‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ با تأمین فضاهای متنوع‌تر در پاسخ به سه سطح ارتباطی مذکور کارآمدتر از بقیه خانه‌ها هستند.

با توجه به آن که تعداد، نوع و حتی اندازه تقریبی فضاهای اصلی، در خانه‌های مورد بررسی به هم شبیه است، (یعنی همه‌ی خانه‌ها حیاط، اتاق نشیمن، آشپزخانه، اتاق‌های خواب و بهار خواب دارند) می‌توان نتیجه گرفت تفاوت خانه‌ها از این نظر، بیش از هر چیز به عوامل کیفی بستگی دارد.

ب) همه خانه‌های مورد بررسی اتاق‌هایی دارند که افراد در هنگام نیاز به بیشترین حد از تنهایی به آنها پناه می‌برند؛ این اتاق‌ها به واسطه قرارگیری در طبقه بالاتر و

جدول ۳-۲: نمونه‌های مورد مطالعه (خانه‌های محله سرچشمه)، نگارندگان، ۱۳۹۹			
محل سرچشمه	کروکی پلان همکف	کروکی مقطع از فضاهای مهم	توضیحات و تصویر لازم درباره‌ی هر خانه
خانه ۲			ساکنین درهای فضای نشیمن به حیاط را در طول سال باز می‌گذارند. در نتیجه این فضا با وجود داشتن در، بیشتر شخصیت نیمه باز پیدا کرده چنان‌که ساکنین آن را «ایوان» می‌نامند.
خانه ۴			ساکنین بخشی از حیاط را که در فاصله‌ی آشپزخانه و نشیمن قرار داشته با اضافه کردن سقف سبک، به شکل فضای نیمه باز درآورده‌اند.
خانه ۸			درخت بالغ دید به بهار خواب می‌دهد به بهار خواب می‌دهد
خانه ۱۰			در این خانه آشپزخانه همجوار حیاط نیست و یک حال ورودی در حد فاصل آنها قرار دارد. همین امر سبب شده در ورودی حال و آشپزخانه بیشتر مواقع باز باشد تا ارتباط آشپزخانه و حیاط برقرار شود.



دور هم جمع‌شدن، توسط ساکنین مورد استفاده قرار می‌گیرد، فضاهای بیشتری هم برای «تنهایی در کنار جمع» فعال است و بالعکس. علت آن است که فضاهایی که امکان تنهایی در کنار جمع را فراهم می‌کنند در حاشیه فضاهای جمعی و در ارتباط با آنها شکل می‌گیرند.

ت فضای باز (حیاط) و نیمه باز (بهار خواب)، مهم‌ترین فضاهایی هستند که در همه این خانه‌ها به غیر از خانه ۳، ۹ و ۱۰ علاوه بر اتاق نشیمن برای دور هم جمع‌شدن، توسط ساکنین مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به این که افزایش فضای جمعی هم محصول و هم علت افزایش وجود فضاهایی برای تنهایی در کنار جمع است، کیفیت حیاط و بهارخواب نقش مهمی در

جدا بودن از فضاهای جمعی و جریان رفت و آمد خانه، درونی‌ترین لایه خانه هستند. در بعضی از خانه‌ها، علاوه بر اتاق‌های طبقه‌ی بالا، فضاهایی در طبقه همکف وجود دارد که به دلیل قرارگیری در جبهه دیگری از خانه (حیاط) می‌تواند تا حدی نیاز به تنهایی را تأمین کند.

پ تفاوت میان خانه‌ها در مورد فضاهایی است که امکان «تنهایی در کنار جمع» و «در جمع بودن» را برای ساکنین فراهم می‌کنند.

در خانه‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ فضاهای متنوعی در جواب به این دو سطح ارتباطی مورد نیاز ساکنین فعال است. در حالی که در خانه ۳، تعداد این فضاها بسیار محدودند. دیده می‌شود که وجود این دو دسته فضا به هم وابسته است؛ یعنی در خانه‌هایی که فضاهای متنوع‌تری برای

جدول ۳-۳: نمونه‌های مورد مطالعه (خانه‌های محله وزیری)، نگارندگان، ۱۳۹۹			
محلّه وزیری	کروکی پلان همکف	کروکی مقطع از فضاهای مهم	توضیحات و تصویر لازم درباره ی هر خانه
خانه ۵			به گفته ساکنین در این خانه، در فصل تابستان، خوابیدن و پذیرایی از مهمان هم در آشپزخانه اتفاق می‌افتد. در این خانه، بهار خواب به دلیل کوچک بودن اتاق به آن الحاق شده است ولی اهالی بودن در بهارخواب را به بودن در حیاط ترجیح می‌دهند. در این خانه دسترسی به بهار خواب از طریق پله‌ای در حیاط بوده است.
خانه ۶			در هر دو خانه ۶ و ۷، بر خلاف دیگر خانه‌ها، دسترسی به بهار خواب (فضای نیمه باز مشرف به حیاط در طبقه اول)، از درون اتاق خوابها (ناحیه خصوصی) اتفاق نمی‌افتد. بنابراین این فضا به عنوان فضای نشیمن خانواده کار می‌کند. ساکنین ترجیح می‌دهند از این فضا به جای حیاط برای دور هم جمع شدن و نشستن استفاده کنند.
خانه ۷			سقف پلایت که ساکنین اضافه کردند. حال بین آشپزخانه و اتاق خواب پنل که ساکنین اضافه کردند.



تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین در این خانه‌ها دارد. (ث) خانه‌هایی که در آنها حیاط به عنوان مکان جمع شدن ساکنین مورد استفاده و فعال است (خانه های ۱، ۲، ۴، ۵، ۸)، از وجوه زیر با یکدیگر تشابه دارند؛

ششم) اتصال ورودی خانه به حیاط و عبور افراد از حیاط هنگام ورود و خروج به خانه؛ (ادراک هر روزه حیاط و در دسترس بودن آن)

هفتم) شکل‌گیری فضایی برای مکث و نشستن در

انواع گونه‌بندی پر و خالی در نمونه‌های مورد بررسی	گونه ۱	گونه ۲	گونه ۳	گونه ۴
خانه‌های واجد این گونه	خانه ۱، ۲، ۴	خانه ۵، ۸، ۹	خانه ۶، ۷، ۱۰	خانه ۳

اول) گونه‌بندی؛ این خانه‌ها از نظر ترکیب پر و خالی در گونه‌ی ۱ یا ۲ قرار می‌گیرند (ر.ک.ب. جدول ۴)؛ گونه‌ای که در آن پر و خالی در بیشترین بر هم کنش با یکدیگر است. این امر سبب می‌شود فضاهای بیشتری با حیاط هم‌جوار شده و ارتباط دیداری و شنیداری میان این فضاها و حیاط برقرار باشد.

دوم) هم‌جوار بودن اتاق نشیمن و آشپزخانه با حیاط. سوم) هم سطح بودن تقریبی حیاط و اتاق نشیمن. (وجود ارتباط دیداری بین این دو فضا)

چهارم) هم سطح بودن تقریبی حیاط و آشپزخانه. (وجود ارتباط دیداری و حرکتی بین این دو فضا)

پنجم) فرارگیری اتاق نشیمن و آشپزخانه در دو جبهه متمایز از حیاط.

حیاط که از مسیر تردد در حیاط کناره گرفته و حوزه‌ای را برای خود تشکیل داده است، به کمک عناصر معماری و یا طبیعی (چتر درخت) مسقف شده و شخصیت فضای نیمه‌بازی را در سطح حیاط پیدا کرده است، به فضای بازی بچه‌ها و ورودی خانه اشراف دارد، امکان ارتباط دیداری و شنیداری میان این فضا و اتاق نشیمن و آشپزخانه برقرار است.

نقض شدن یک یا چند عامل مذکور در دیگر خانه‌ها، استفاده از حیاط را به عنوان فضای دور هم جمع شدن تضعیف نموده است. به عنوان مثال؛

- در خانه ۹ یکی از اصلی‌ترین علت‌های عدم استفاده ساکنین از حیاط به منظور دور هم جمع شدن، پایین بودن سطح اتاق نشیمن نسبت به حیاط است. امری که

حیاط که از مسیر تردد در حیاط کناره گرفته و حوزه‌ای را برای خود تشکیل داده است، به کمک عناصر معماری و یا طبیعی (چتر درخت) مسقف شده و شخصیت فضای نیمه‌بازی را در سطح حیاط پیدا کرده است، به فضای بازی بچه‌ها و ورودی خانه اشراف دارد، امکان ارتباط دیداری و شنیداری میان این فضا و اتاق نشیمن و آشپزخانه برقرار است.

نقض شدن یک یا چند عامل مذکور در دیگر خانه‌ها، استفاده از حیاط را به عنوان فضای دور هم جمع شدن تضعیف نموده است. به عنوان مثال؛

- در خانه ۹ یکی از اصلی‌ترین علت‌های عدم استفاده ساکنین از حیاط به منظور دور هم جمع شدن، پایین بودن سطح اتاق نشیمن نسبت به حیاط است. امری که

مهمترین فضاهایی که در حال حاضر را برای افراد تأمین می‌کنند.	خانه‌هایی که فضاهای مذکور در آن فعال است	توضیحات مورد نیاز برای هر خانه	علت‌های مهم کالبدی تأمین‌کننده این درجه از ارتباط در فضا
اتاق‌های خواب	همه‌ی خانه‌ها	آشپزخانه در خانه ۶ و ۷ که در طبقه بالا قرار دارد می‌تواند در مواقعی این نقش را هم ایفا کند.	قرارگیری در طبقه‌ای بالاتر از ناحیه عمومی خانه، آخرین نقطه در سلسله مراتب فضاهای خانه بودن، درونی‌ترین جای خانه بودن
آشپزخانه	خانه ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ و ۹	در گوشه‌ای مجزا از ساختمان بودن	



ارتباط دیداری میان این دو فضا را به شدت تضعیف می‌کند.

- در خانه‌های ۶، ۷ و ۱۰ در دو جهه قرار نگرستن اتاق نشیمن و آشپزخانه یکی از علت‌های تضعیف کارکرد حیاط به عنوان فضای جمعی است. به علاوه در این خانه‌ها ارتباط حیاط و آشپزخانه نیز ضعیف است؛ در خانه‌ی ۶ و ۷ آشپزخانه فعال در طبقه اول یعنی بالاتر از سطح حیاط است و در خانه ۱۰ آشپزخانه در عمق و نه در جوار حیاط قرار دارد.

- در خانه ۳، گونه‌بندی پر و خالی که سبب شده کمترین ترکیب بین این دو فضا وجود داشته باشد، مهمترین عامل در بی‌استفاده ماندن حیاط است. به علاوه محصوریت زیاد حیاط که به دلیل دیوار بلند در جوار آن است، این مسأله را تشدید کرده است.

ج) وجوه تشابه زیر میان خانه‌هایی که بهارخواب در آنها مورد استفاده قرار گرفته و مکان جمع شدن ساکنین است، دیده می‌شود؛

اول) دسترسی به بهار خواب از فضای تقسیم (و نه اتاق‌های خصوصی) طبقه بالا و یا مستقیماً از حیاط. این امر سبب می‌شود بهار خواب در حوزه خصوصی قرار نداشته باشد و بتواند به عنوان فضای جمعی عمل کند.

دوم) اشراف بهار خواب به حیاط؛ جدا بودن این فضا از رفت و آمدها به خانه و در عین حال اشراف به رفت و آمد و فعالیت‌های درون حیاط.

ج) خانه‌هایی که حیاطشان، محل جمع شدن ساکنین است (یعنی خانه‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۸)، در تأمین «تنهایی در کنار جمع» کارآمدتر از خانه‌هایی هستند که بهار خواب در آنها به این منظور فعال است (یعنی خانه‌های ۶ و ۷). یکی از علت‌ها می‌تواند این باشد که حیاط به مثابه یک فضای جمعی در این خانه‌ها، با فضاهای بیشتری در جوارش هم‌سطح است و این امر زمینه را برای ارتباط دیداری و شنیداری دو سویه میان افراد حاضر در این فضاها و افراد حاضر در حیاط فراهم می‌نماید. در حالی

که بالا بودن سطح بهار خواب نسبت به حیاط ارتباط دیداری افراد حاضر در این دو فضا را به سمت ارتباطی یک سویه سوق می‌دهد. به بیان دیگر وقتی که افراد خانه در بهار خواب دور هم جمع شده‌اند، فرد حاضر درون حیاط، نمی‌تواند به خوبی در جریان فعالیت آن‌ها باشد.

## ۹- نتیجه تحقیق

با توجه به تحلیل‌های انجام شده، لازم است به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود؛

منظور از تعامل مطلوب در خانه، نوعی از ارتباط میان ساکنین است که تنظیم حد آن بنا به حالات و نیاز روانی افراد در اختیار آنها باشد. یکی از شاخص‌های کیفیت خانه، پاسخگویی به این نیاز روانی ساکنین است. یعنی فضاهای خانه بتوانند امکان انتخاب حد ارتباط با دیگران را به افراد بدهد.

با مطالعه نمونه‌هایی از خانه‌های بافت میانی کرمانشاه مشخص می‌گردد در همه خانه‌های مذکور حداقل سه نوع فضا وجود دارد که به ترتیب برای پناه بردن به تنهایی، در جمع بودن و یا تجربه‌ی تنهایی در کنار جمع توسط ساکنین استفاده می‌شود. بنا بر این می‌توان گفت این خانه‌ها تا حدی شرایط را برای ساکنین در جهت انتخاب حد ارتباط با دیگران تأمین کرده و در نتیجه به همین میزان در برقراری تعامل مطلوب میان آنها کارآمد هستند. هر چند مشخص می‌گردد

میزان موفقیت این خانه‌ها از این وجه یکسان نیست. در بیش از نیمی از نمونه‌های مورد مطالعه نه تنها فضاهایی در پاسخ به سه حد ارتباطی مورد نیاز انسان دیده می‌شود، بلکه این فضاها متنوع نیز هستند؛

فضاهایی که در این خانه‌ها برای «تنها بودن در کنار جمع» و یا برای «در جمع بودن» مورد استفاده هستند، بیشتر و متنوع‌تر از دیگر خانه‌هاست. به این ترتیب این خانه‌ها طیف وسیع‌تری از امکانات برای انتخاب حد ارتباط با دیگران را فراهم می‌کنند.



سبب می‌شود در یک خانه فضاهای نیمه‌خصوصی بیشتری (با مقیاس کوچک‌تر و محصوریت بیشتر نسبت به فضاهای جمعی)، به شکل حائل برای فضاهای خصوصی عمل کرده و در عین حال فضاهای جمعی را در بر گرفته و به آنها اشراف داشته باشند. به بیان دیگر کیفیت فضای جمعی، نقش مرکزی آن در میان دیگر فضاها و نهایتاً طراحی مفصل‌های اتصال‌دهنده‌ی فضای جمعی به دیگر بخش‌های خانه سه عامل مهمی است

جستجوی علت کارآمدی این خانه‌ها در تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین، الگوهایی را آشکار می‌سازد. الگوهای مذکور به موضوعاتی از قبیل سلسله مراتب فضاهای خانه، سازماندهی پر و خالی، تنوع فضاها، همنشینی فضاها، لبه‌ها و مرزها و نهایتاً اجزاء درونی فضاها مربوط می‌شود. (جدول ۶)

الگوهای فوق یکدیگر را تقویت می‌کنند. در عین حال می‌توان مجموع آنها را ذیل اقداماتی قرار داد که

جدول ۵-۲: تحلیل خانه‌های مورد مطالعه و دومین سطح ارتباطی تأمین شده توسط فضاهای آنها برای ساکنین، نگارندگان، ۱۳۹۹				
میان‌اتحادیه	مهمترین فضاهایی که در حال حاضر را برای افراد تأمین می‌کنند.	خانه‌هایی که فضاهای مذکور در آن فعال است	توضیحات مورد نیاز برای هر خانه	علت‌های مهم کالبدی تأمین‌کننده این درجه از ارتباط در فضا
۲- حفظ تنهایی در عین بودن در کنار دیگران	فضای نشستن در حیاط (زمانی که دیگری/ دیگران در اتاق نشیمن، آشپزخانه یا در گوشه‌ی دیگری از حیاط هستند)	خانه ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ به شکل ضعیف‌تر در خانه ۶ و ۷، ۱۰	فضای نشستن روی تخت در گوشه حیاط، (در خانه ۱)، فضای نشستن روی تخت در وسط حیاط، (در خانه ۲ و ۸)، فضای مسقف شده حیاط در فاصله نشیمن و آشپزخانه، توسط کاربر بعد از ساخته شدن بنا (در خانه ۴) فضای مکت در گوشه‌ی حیاط که در آن فرش پهن می‌کنند. (در خانه ۵)	مفصل شدن بین حیاط و اتاق نشیمن (در خانه ۱، ۴، ۵) مسقف بودن و نیمه باز بودن (در خانه ۲ و ۴ و ۸)، امکان نشستن و مکت (میلمان)، اشراف به مسیر رفت و آمد، عدم قرارگیری در مسیر حرکتی (در خانه ۱)، داشتن ارتباط دیداری و شنیداری با اتاق نشیمن، همجواری با فضای بازی بچه‌ها در حیاط، در معرض دید از ورودی نبودن
	فضای بازی در حیاط (زمانی که دیگری/ دیگران در اتاق نشیمن، آشپزخانه یا فضای نشستن در حیاط هستند)	خانه ۱، ۲، ۴، ۵، ۸ به شکل ضعیف‌تر در خانه ۶ و ۷، ۹، ۱۰	در خانه ۶ و ۷ مادر بیشتر در بهار خواب (در طبقه‌ی بالا) حضور دارد و به فضای بازی بچه‌ها در حیاط اشراف دارد. در خانه ۱۰، حیاط ارتباط با واسطه با آشپزخانه دارد و همجواری نیستند.	همجواری با آشپزخانه، همجواری با اتاق نشیمن، همجواری با فضای مکت و نشستن در حیاط (در خانه ۱ و ۴ و ۵ و ۸)، ارتباط دیداری و شنیداری با بهار خواب (فضای حضور مادر در خانه ۶ و ۷)
	فضای نیمه باز مشرف به حیاط (بهار خواب) (زمانی که دیگری/ دیگران در حیاط هستند)	خانه ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۹ و ۱۰ قبل از انجام تغییرات در خانه	تراس اتاق خواب در طبقه بالا خانه ۳ بهار خواب ندارد. تراس مستقل از اتاق خواب در طبقه‌ی بالا (در خانه ۶ و ۷)؛ در این خانه‌ها این فضا به عنوان فضای نشیمن خانواده هم کار می‌کند.	همجواری با حیاط و در عین حال بالاتر از آن بودن (اشراف به حیاط)، در حد یک طبقه بلندتر از حیاط بودن که ارتباط دیداری و شنیداری با حیاط را مختل نمی‌کند، به اندازه‌ی نشستن دو یا سه نفر بودن،
	آشپزخانه مشرف به حیاط (زمانی که دیگری/ دیگران در حیاط هستند)	خانه ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹ به شکل ضعیف در خانه ۱۰	در خانه ۳ آشپزخانه با حیاط همجواری نیست. در خانه ۶ و ۷ بیشتر از آشپزخانه طبقه اول که مشرف به حیاط نیست استفاده می‌شود. در خانه ۱۰، حیاط ارتباط با واسطه با آشپزخانه دارد و همجواری نیستند.	همجواری با حیاط، همجواری با مسیر رفت و آمد اصلی خانه، همجواری با فضای بازی بچه‌ها در حیاط، همجواری با فضای مکت در حیاط (در خانه ۱، ۴، ۵، ۸)
	اتاق نشیمن مشرف به حیاط (زمانی که دیگری/ دیگران در حیاط هستند)	خانه ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹ به شکل ضعیف در خانه ۹	این فضا در خانه ۲ در فصول غیر سرد همیشه به سمت حیاط باز است. در خانه ۹ سطح اتاق نشیمن پایین‌تر از حیاط است و ارتباط دیداری با حیاط تضعیف شده است.	همجواری با حیاط، همجواری با فضای مکت حیاط (در خانه ۱، ۴، ۵، ۸)، امکان ارتباط دیداری و شنیداری داشتن با حیاط، تقریباً هم سطح حیاط بودن، همجواری با اتاق مهمان (در خانه ۲).
	فضای تقسیم (هال) مشرف به بهار خواب	در خانه‌ی ۶ و ۷		



جدول ۶: الگوهای کالبدی موثر بر تقویت تعامل مطلوب ساکنین در خانه‌های بافت میانی کرمانشاه، نگارندگان، ۱۳۹۹		
دسته بندی الگوها	الگوهای کالبدی موثر بر تعامل مطلوب میان ساکنین خانه	نحوه ی تحقیق الگوها در خانه- های موفق مورد بررسی
سلسله مراتب فضاها	لایه هایی از فضاهای متوالی که در نهایت به خصوصی ترین بخش خانه ختم می شود.	قرارگیری بخش خصوصی در طبقه ای بالاتر از بخش عمومی خانه یا در سمت دیگری از خانه
سازماندهی پر و خالی	پر و خالی نقش مکمل دارند. بخش خالی (حیاط) توسط فضاهای بسته در بر گرفته شده است.	گونه ی L شکل و گونه ی نواری شکل به کار رفته است.
تنوع فضاهای جمعی	فضاهای باز و نیمه باز، در کنار فضای بسته به عنوان فضای جمعی نقش ایفا می کنند.	استفاده از حیاط و بهار خواب به عنوان فضای جمعی، علاوه بر اتاق نشیمن
همنشینی فضاها	<ul style="list-style-type: none"> <li>-همجوار بودن فضاهای جمعی باز ، نیمه باز و بسته با یکدیگر</li> <li>-تقریباً هم سطح بودن فضاهای بسته و باز جمعی</li> <li>-اشراف فضای خصوصی به فضای جمعی</li> <li>-فضاهای جمعی باز (یا نیمه باز)، بسته و آشپزخانه یک مثلث حرکتی- رفتاری می سازند.</li> </ul>	<p>اتاق نشیمن(فضای جمعی بسته) و بهار خواب (فضای جمعی نیمه باز) با حیاط (فضای جمعی باز) همجواریند.</p> <p>اتاق نشیمن و آشپزخانه با حیاط مجاور و هم سطح هستند.. اتاق های خواب و بهار خواب به حیاط اشراف دارند. اتاق نشیمن، حیاط و آشپزخانه یک مثلث حرکتی رفتاری ساخته اند.</p>
لبه ها و مرزها	<ul style="list-style-type: none"> <li>-لبه های منعطف و قالب باز و بسته شدن برای فضاهای خصوصی (یا نیمه خصوصی) مشرف به فضای جمعی</li> <li>-مفصل های فضایی از جنس نیمه باز در فاصله ی فضاهای خصوصی (یا نیمه خصوصی) و جمعی</li> </ul>	<p>پنجره های اتاق نشیمن به حیاط باز می شود.</p> <p>فضای مکث نیمه باز بین حیاط و اتاق نشیمن</p> <p>بهار خواب در فاصله ی اتاق خواب و حیاط</p>
اجزاء درونی فضاها	<ul style="list-style-type: none"> <li>-فضای مکث جدا شده از مسیر حرکت در درون فضای جمعی به طوری که این فضا به دیگر بخش های فضای جمعی دید داشته باشد.</li> <li>-پهانه های فضایی برای توقف در فضای جمعی</li> </ul>	<p>فضای نشستن در حیاط در کنار مسیر رفت و آمد است.</p> <p>فضای دور هم جمع شدن در بهار خواب بر حیاط و مسیر رفت و آمد به خانه اشراف دارد.</p> <p>وجود نیمکت، فرش، سایه بان، درخت در فضای نشستن در حیاط</p>

در عین حال در صورت نیاز به تنهایی بیشتر و قطع ارتباط با دیگران به لایه‌ی درونی‌تر خانه پناه ببرند. (تصویر ۳) وجود عناصر و اجزایی در حد فاصل این لایه‌های فضایی که قابل تنظیم باشند به این مساله کمک می‌کند و خانه را از وجه توانایی در تقویت تعامل مطلوب میان ساکنین قوت می‌بخشد. مقایسه الگوهای منتج از پژوهش میدانی با الگوهای مطرح شده در منابع مکتوب، وجوه مشترک زیادی را میان آن‌ها آشکار می‌نماید؛

که سبب می‌شود در خانه امکان تجربه سطوح گوناگون ارتباطی برای ساکنین بهتر فراهم شود.

این گونه اقدامات سبب می‌شود تمایل افراد برای بودن در فضاهای جمعی که در احاطه و ارتباط با فضاهای خصوصی است، افزایش پیدا کند. از طرف دیگر افراد می‌توانند با اندکی کناره‌گیری از جمع، در حاشیه و لبه‌های فضای جمعی به کار خود بپردازند در حالی که به لحاظ دیداری و شنیداری همچنان با جمع در ارتباط هستند.

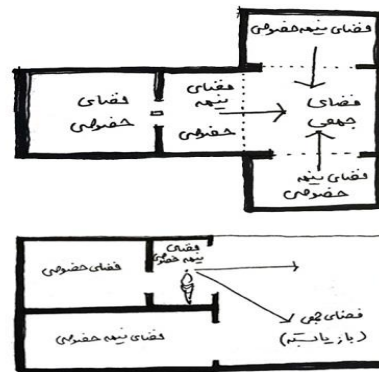




مقایسه جدول ۱ و ۶ نشان می‌دهد الگوهای مطرح شده توسط الکساندر و دیگر پژوهشگران هم نظر با او در جهت کیفیت بخشی به فضاهای خانه با الگوهای مستخرج از پژوهش میدانی انجام شده انطباق دارد. میزان بهره‌مندی خانه‌های مورد بررسی، از این الگوها با تعامل مطلوب میان ساکنین‌شان نسبت دارد. این مسأله نشان می‌دهد:

پژوهش انجام شده، در زمینه مکانی و فرهنگی خاصی، الگوهای ارائه شده توسط الکساندر و پژوهشگران هم نظر با او را تأیید می‌نماید و به این ترتیب بر دامنه شمولیت این الگوها می‌افزاید.

از آنجا که این الگوها در زمینه مکانی و فرهنگی خاصی تکرار شده و سبب موفقیت کالبد شده‌اند، احتمال کلی بودن این الگوها و عدم وابستگی به مکان و زمان تا حدی تأیید می‌گردد.



تصویر ۳: دیاگرامی از الگوی سازماندهی تقویت‌کننده تعامل مطلوب در خانه، بالا؛ دیاگرام پلان، پایین؛ دیاگرام برش عمودی، منبع؛ نگارندگان، ۱۳۹۹

علت کارآمدی الگوهای مذکور نسبتی است که با دو نیاز روانی اساسی انسان یعنی نیاز به ارتباط با دیگران و نیاز به آزادی دارند. این الگوها به انتخاب حد ارتباط با دیگران کمک می‌کنند و به این دلیل سبب ارتقاء کیفیت خانه می‌شوند.

در زمینه مکانی فرهنگی مورد نظر این پژوهش، حیاط و بهار خواب یعنی فضاهای باز و نیمه‌باز به خوبی به عنوان فضای جمعی خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرند و نقش بسیار مهمی در کیفیت بخشی به خانه دارند. از آنجا که تأکید بر استفاده از این دو نوع فضا در این جهت در منابع مذکور وجود ندارد، احتمال وابستگی

بیشتر این الگو به زمینه مکانی و زمانی بیشتر می‌شود که نتیجه گیری درباره آن نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد. الگوهای نتیجه شده از پژوهش حاضر با نتایج بعضی دیگر از منابع از جمله پژوهش حائری سنخیت دارد و آنها را تأیید می‌کند؛ لایه‌بندی فضاها از عمومی تا خصوصی و همچنین استفاده از عناصری در جهت تنظیم ارتباط میان این لایه‌ها از جمله این نتایج است که از طریق فراهم نمودن امکان تنظیم حد ارتباط با دیگران برای ساکنین، به ارتقاء کیفیت خانه کمک می‌نماید. نتایج پژوهش حاضر قربت‌هایی با نتایج پژوهش حسینی و دیگران نیز دارد؛ توجه به افزایش کیفیت قلمروهای جمعی و نقش مرکزی داشتن این قلمروها در سازماندهی خانه و همچنین توجه به طراحی مفصل‌ها از جمله این مشابَهت‌هاست. البته این نتایج در پژوهش حاضر با دقت بیشتری ارائه گردیده و به راهکارهای طراحی اتصال بیشتری دارد.

#### ۱۰- تشکر و قدردانی

ضمن تشکر از تمام افرادی که در انجام این پژوهش نویسندگان را یاری کرده‌اند.

#### ۱۱- پی‌نوشت‌ها

##### 1- Ake Daun

۲- نقش نمادین خانه به عنوان مأمن انسان و بیانی از خویشتن‌ا، در کنار نقش کارکردی خانه به عنوان محل انجام رفتارهای مختلف مرتبط با زندگی روزمره، (آقا لطیفی، ۱۳۹۱) از دلایل اهمیت این مکان است.

۳- عبارتست از «وجود صمیمیت، محبت و احترام متقابل بین اعضا، درک کردن شرایط اعضا و نشان دادن این درک و مشورت اعضا در زمان نیاز» (پناغی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۵)

۴- شهر کرمانشاه به مانند بیشتر شهرهای ایران و با تأثیر از تحولاتی که در شهرسازی رخ داده، از سه گونه بافت با ویژگی‌های متمایز تشکیل شده است؛ هسته‌ی تاریخی شهر که در دوره‌ی زنده و از طریق به هم پیوستن سه دهکده شکل گرفته، شامل محله‌های فیض آباد، چنایی و برزه دماغ است. (برومند سرخابی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

در دوره‌ی پهلوی اول با خیابان‌بندی به صورت شبکه‌ای و موازی، اولین تغییرات در بافت تاریخی ایجاد شد و به تدریج محله‌های جدیدی به شهر افزوده شد. برخی از این محله‌ها که بافت میانی شهر را تشکیل می‌دهند عبارتند از محله‌ی پل چوبی، سرآسیاب، سرچشمه، شریعتی و وزیری. (با رجوع به نقشه‌های ارائه شده در کلارک، ۱۳۹۴: ۴۰-۵۳) مرحله‌ی بعدی توسعه‌ی شهر که منجر به



شکل‌گیری بافت جدید شد، از حدود سالهای ۱۳۵۰ ه.ش به بعد، بیشتر در جهت شمال شهر و از طریق هموار نمودن زمین‌های کشاورزی رخ داد. (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲-۹۳) برخی از این محله‌ها عبارتند از نوبهار، گلستان، برق و غیره.

۵- در این صورت این امکان ایجاد می‌شود که افراد بتوانند طبیعت را به شکلی ملموس، به زندگی روزمره‌ی خود وارد کرده و قلمرویی شخصی در درون خانه به وجود آورند.

۶- مسکن روستایی اقلیم معتدل و مرطوب گیلان

۷- در منابع مذکور الگوهایی هم مطرح شده است که به تعامل ساکنین با افراد بیرون از خانه مربوط می‌شود. در اینجا در جهت جلوگیری از طولانی شدن مطلب و برای تمرکز بر موضوع پژوهش که معطوف به تعامل ساکنین در درون خانه است، این الگوها ذکر نشده‌اند.

۸- «الکساندر، بیان می‌کند که الگوها به نحوی به نظم و قاعده در می‌آید که صحت یا نادرستی آن را می‌توان با ملاکی غیر علمی و تجربی که آشکارا و در نزد عموم به بحث گذاشته شده، به اثبات رساند. پس مبنای شناسایی و کاربست الگوها، مشاهده و تجربه است. این امر اعتبار الگوها را شهودی معرفی می‌کند و موجب بروز سوءتفاهم‌هایی در پذیرش اعتبارشان نزد سایر نظریه پردازان می‌گردد.» (شریف و محمدعلی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۶)

۹- سه دیدگاه دیگر عبارتند از «رویکرد اختیاری، رویکرد امکان‌گرا و رویکرد جبری» (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

۱۰- به عنوان مثال ادوارد هال، محیط‌ها را به دو دسته‌ی اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز دسته‌بندی می‌کند؛ هر یک از این محیط‌ها به واسطه‌ی نحوه‌ی سازماندهی، فواصل، اندازه‌ها و غیره به ترتیب موجب تشویق رفتارهای اجتماعی شده و یا آن را تضعیف می‌کنند. (هال، ۱۳۷۶: ۷۸)

#### 11-behavior settings

۱۲- از جمله نیکوس سالینگروس

۱۳- الگو به معنای «سرمشق، طرح، مثل، مدل، نقشه و نمونه» است. (دهخدا) و (<https://www.etymonline.com>) و بر یک «قانونمندی دلالت دارد» (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۲۲۵)

۱۴- استفاده از ترکیبی از روش‌های گردآوری اطلاعات سبب افزایش اعتبارپذیری پژوهش می‌گردد. (گروت و وانگ، ۱۳۹۴: ۳۸)

۱۵- نظریه زمینه‌ای یکی از انواع روش‌های پژوهش کیفی است که بر جمع‌آوری داده‌های دست‌اول از طریق مشاهده؛ مصاحبه و غیره در مطالعه‌ی میدانی متکی است. (عباس زاده و حسین پور، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

روشهای نظریه‌ی زمینه‌ای فرصتی فراهم می‌آورد تا محقق «در مورد مسائلی که برایشان اهمیت دارد به تفکر و تعمق بپردازد و به درک و بینشی تازه نائل آید.» (جعفری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲)

16- Who, When, Where, What, How, How much, Why  
17- Waving the Red Flag

۱۸- مثلث بندی به معنی تنوع منابع جستجو یکی از روشهای اعتبارپذیر کردن پژوهش کیفی است. (گروت و وانگ، ۱۳۹۴: ۳۸)

۱۹- در جواب به سوال «چه اتفاقی می‌افتد؟»

۲۰- در جواب به سوال «چه فضایی؟»

۲۱- در جواب به سوال «چگونه؟» و «چرا؟» و با استفاده از روش ساز مخالف زدن به این ترتیب که به عنوان مثال در تحلیل لبه‌ی اتصال دهنده‌ی دو فضا به عنوان عاملی در ایجاد شرایط نوعی از ارتباط میان ساکنین، این سوال پرسیده شده که اگر ارتباط حرکتی بین دو فضا وجود نمی‌داشت چه اتفاقی می‌افتاد؟

۲۲- فقط خانه‌ی شماره ۳، بهار خواب ندارد.

#### ۱۲- منابع فارسی و لاتین

- آقا لطیفی، آزاده. (۱۳۹۱). «الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران». رساله برای دریافت درجه دکتری. تهران: دانشگاه تهران
- الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۸). «الگوهای استاندارد در معماری». حسینی، فرشید. تهران: مهرآزان. چاپ اول.
- ایراندوست، کیومرث. آشوری، کسری. هاشمی، بهیه. (۱۳۹۵). «بازشناسی عناصر تاریخی هسته‌ی شهر ایرانی؛ مطالعه موردی؛ هسته تاریخی مرکز شهر کرمانشاه». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۲۴. تابستان. صص ۸۵-۹۹
- <file:///C:/Users/Daftar0%Machine/Downloads/Documents/۶.pdf>
- برومند سرخابی، هدایت الله. (۱۳۸۸). «در جستجوی هویت شهری کرمانشاه». تهران: وزارت مسکن و شهرسازی؛ مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- بل، سایمون. (۱۳۸۲). «منظر، الگو، ادراک و فرآیند». امین زاده، بهناز. تهران: دانشگاه تهران.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۵). «چشمان پوست؛ معماری و ادراکات حسی». قدس، رامین. تهران: پرهام نقش. چاپ سوم.
- پناغی، لیلا. محمدی زاده، علی. باقریان، فاطمه. پاکدامن، شهلا. احمدآبادی، زهره. محمدی، سمیه. (۱۳۹۵) «جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی» فصلنامه خانواده پژوهی، سال



- شریف، حمید رضا. محمد علی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۱). «زبان الگو و روان‌شناسی شناختی». صفه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۵۶. صص ۲۳-۴۰
- <file:///C:/Users/DAFTAR~1/AppData/Local/Temp/۷۲۸۱۳۹۱۵۶۰۷.pdf>
- عباس زاده، محمد. حسین پور، ابراهیم. (۱۳۹۰). کاربرد تثلیث در پژوهش‌های کیفی (با تأکید بر رویکرد نظریه‌ی زمینه‌ای). فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. س ۱۷. شماره ۶۷. تابستان. صص ۱۴۷-۱۶۶
- <http://method.rihu.ac.ir/article/۷۸۴.html?lang=fa>
- فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۸۰). «انسان در جست‌وجوی معنای». ترجمه: نهضت صالحیان، مهین میلانی. تهران: درس
- کلارک، جی. آی. کلارک، بی.دی. (۱۳۹۴). «کرمانشاه: مرکز استان پنجم». ایراندوست، کیومرث آشوری، کسری. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- گروت، لیندا. وانگ، دیورید. (۱۳۹۴). «روش‌های تحقیق در معماری». عینی فر، علیرضا. تهران: دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). «آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط». تهران: دانشگاه تهران
- نیلاندر، اولاف. (۱۳۹۰). «معماری خانه». فلاحت، محمد صادق. زنجان: دانشگاه زنجان. چاپ اول.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۵). «مفهوم سکونت؛ به سوی معماری تمثیلی». یار احمدی، محمود. تهران: نشر آگه. چاپ هفتم.
- مازلو، آبراهام. اچ. (۱۳۷۶). «انگیزش و شخصیت». ترجمه: احمد رضوانی. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هال، ادوارد. (۱۳۷۶). «بعد پنهان». طیبیان، منوچهر. تهران: دانشگاه تهران
- <https://www.etymonline.com>
- Jacobson, Max. Silverstein, Murray. W inslow, Barbara. (2002). Patterns of
- دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۵، صص: ۱۹۶-۱۷۹
- <file:///C:/Users/DAFTAR~1/Machine/Downloads/Documents/-۱۵۴۶۰۷۹۴۸۶۱۷۸-۹۸۶۹.pdf>
- جعفری، رشید. ندیمی، حمید. ملک، نیلوفر. (۱۳۹۸). درباره‌ی نوستالژیا و معماری؛ تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره‌گیری از نظریه‌ی زمینه‌ای. مجله‌ی صفه. شماره ۸۶. صص ۵-۱۹
- [https://soffeh.sbu.ac.ir/article/۱۰۰۴۸۱\\_۲a۹f۰aaf۶۶۲۸bb۶۳cc۳۲۲۳۲a۳baef۶.pdf](https://soffeh.sbu.ac.ir/article/۱۰۰۴۸۱_۲a۹f۰aaf۶۶۲۸bb۶۳cc۳۲۲۳۲a۳baef۶.pdf)
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). «خانه، فرهنگ، طبیعت». تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- حسینی، اکرم. جعفرزاده، تکتیم. رهبان، فهیمه. (۱۳۹۵). «تدوین دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به منظور بهبود تعامل اعضاء خانواده». فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۵۴. صص ۴۱-۵۸
- <https://jhre.ir/article-۹۹۹-۱-fa.pdf>
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۰). «انسان‌شناسی مسکن». افضلیان، خسرو. تهران: حرفه هنرمند. چاپ سوم.
- رازجو، مهرداد. متین، مهرداد. امامقلی، عقیل. (۱۳۹۸). «تحلیل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مسکن روستایی اقلیم معتدل و مرطوب به استفاده از روش چیدمان فضا در مسکن جلگه‌ای گیلان». فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. شماره ۲، بهار
- <file:///C:/Users/DAFTAR%20Machine/Downloads/Documents/15878847/53-10264-98-416.pdf>
- سالیانگروس، نیکوس. (۱۳۸۷). «یک نظریه معماری». زرین مهر، سعید. متکی، زهیر. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی؛ مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.



- Wentling, James. (1995). "Designing a place called home", An International Thomson Publishing Company
- Susanka, Sarah. (2008). "The not so big house". The Taunton Press

### ۱۳- چکیده تصویری

